

درباره مرگ هزاران ماهی در ماهشهر

فریاد زیر آب

محمد مالی؛ دقیقا از ۲۱ تیر ۱۳۷۹ که مجوز سازمان حفاظت محیط زیست برای احداث سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی صادر شد، چالش‌های زیست‌محیطی شهرهای ماهشهر، بندر امام و سربندر، روستاها و مناطق اطراف آنها آغاز شد. استقرار ۳۰ پتروشیمی در این منطقه و نقش مهمی که در اقتصاد ملی دارند، باعث شده با مماشات نسبت به رعایت استانداردهای محیط‌زیستی از سوی آنها برخورد شود. نتیجتا هر چندوقت یک‌بار شاهد شنیدن اخبار ناگواری از این منطقه هستیم که باید این روند هرچه زودتر به نفع عامل انسانی و محیط‌زیستی در ماهشهر، متوقف شود.

خلاصه فاجعه

۱۴، ۱۵، ۲۳ و ۳۰ مرداد، تصاویر تلخ متعددی که حاکی از مرگ‌ومیر صدها هزار ماهی در حوضچه‌های نمک پتروشیمی بندر امام بود، به شکل گسترده‌ای انتشار یافت و حامیان محیط زیست کشور را نگران کرد. براساس بررسی میدانی یگان حفاظت منابع آبریزان شیلات و یگان حفاظت محیط زیست از محدوده اداره شیلات واقع در شهر بندر امام تا محدوده اسکله خور سمایی؛ فقط در حوضچه شماره ۲ استحصال نمک پتروشیمی بندر امام مرگ‌ومیر مشاهده شده است.

نظر آزمایشگاه دامپزشکی

آزمایشگاه مرجع اداره کل دامپزشکی خوزستان درخصوص «نتایج نمونه‌های تلفات ماهیان دریایی در حوضچه‌های نمک پتروشیمی» با وجود اعلام این مطلب که «نمونه‌های ارسالی با توجه به فساد و اتولیز شدید لاشه، فاقد ارزش بررسی آزمایشگاهی هستند»؛ اما براساس «بررسی‌های ماکروسکوپی و سبب‌شناسی و نحوه مرگ‌ومیر و

بازبودن دهان همه نمونه ماهیان تلفاتی ارسال‌شده»، تصریح می‌کند که «مرگ‌ومیر ماهیان ناشی از کمبود شدید اکسیژن (به دلیل بلوم شدید جلبکی) و با وجود گازهای سمی آمونیاک و نیتريت در آب است.»

پیگیری محیط زیست خوزستان

۱۹ مرداد یعنی چند روز پس از مشاهده اولین گروه از ماهی‌های تلف‌شده «محمدجواد اشرفی» مدیرکل محیط زیست خوزستان در نامه‌ای «اخطارگونه» به «برزگر» مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر با بیان اینکه «در حوضچه‌های استحصال نمک پتروشیمی بندر امام، مرگ‌ومیر وسیعی از ماهیان رخ داده و سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی تنها دستگاه نظارتی و حاکمیتی و متوالی اصلی سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی است»، با صراحت «مسئولیت هرگونه آلودگی و تخریب محیط زیست ناشی از فعالیت منطقه ویژه در محدوده شعاع ۳۰ کیلومتری و جبران آن به تشخیص اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان را برعهده مدیریت منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی می‌داند.»مدیرکل محیط زیست خوزستان در اولتیماتومی چندروزه به مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشومی، خواستار ارائه «نتایج نمونه‌برداری از آب حوضچه‌های استحصال نمک، علت مرگ‌ومیر، نتایج آنالیز ماهیان و تحقیقات و بررسی‌های انجام‌گرفته از سوی کارشناسان آن مجموعه به‌منظور مشخص‌کردن دلیل تلفات ماهیان» می‌شود.

واما پاسخ تعجب‌برانگیز پتروشیمی!

یکشنبه ۲۳ مردادماه «پیامبرزگر»، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، پاسخ مکاتبه مدیر کل محیط زیست خوزستان را «درباره تلفات آبریزان در حوضچه‌های استحصال نمک» می‌دهد؛ پاسخی دور از انتظار. در جوابیه پتروشیمی ماهشهر با بیان «دردسترس‌بودن حاشیه حوضچه‌های استحصال نمک برای عموم شهروندان و حضور برخی ماهی‌گیران سودجو در محل» محتمل‌ترین گزینه برای مرگ‌ومیر آبریزان، «استفاده موردی اشخاص سودجو از سم برای ماهی‌گیری» عنوان شده است که «موجب تلفات آبریزان شده است». در پاسخ سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی به فاصله شش‌کیلومتری ایستگاه پمپاژ

حوضچه‌های استحصال نمک پتروشیمی بندر امام، با خروجی خور جعفری، فاصله حدود هفت‌کیلومتری با خروجی خور زنگی و حدود ۹ کیلومتری با خروجی کانال شرقی پتروشیمی بندر امام اشاره و نتیجه می‌گیرد: «با عنایت به بُعد مسافت زیاد و با توجه به جریان جزروزم حاکم بر خوریات منطقه، منطقا نمی‌توان مرگ‌ومیر آبریزان حوضچه‌های مذکور را به فعالیت شرکت‌های پتروشیمی مستقر در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی مرتبط دانست.» مختصرا پتروشیمی معتقد است که «واردکننده زیان وفق ضوابط و مقررات جاری مسئولیت جبران خسارات وارده را برعهده دارد» و چون دلیل علمی و به نظر آنها «قانونی» برای اثباتِ نقش داشتن پتروشیمی در آلودگی آب و تلفات ماهی‌ها وجود ندارد؛ پس «نمی‌توان مسئولیت ناشی از فعل غیر را به دیگری منتقل کرد».

محیط زیست ماهشهر چه می‌گوید

هفت روز پس از شانه‌خالی‌کردن سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی از اتهام نقض داشتن در مرگ صدها هزار ماهی در خور این سازمان، در ۳۰ مرداد، «ابرح سلیمانی» رئیس اداره حفاظت محیط زیست ماهشهر، در مکاتبه‌ای با اداره کل متبوع خود، پرده از حقایق این فاجعه تلخ زیست‌محیطی برمی‌دارد. محیط زیست ماهشهر، ماهیان تلف‌شده در حوضچه شماره ۲ استحصال نمک پتروشیمی بندر امام را از گونه‌های ماهی گوفاف از خانواده شگ ماهیان (clupeidae) و شانگ از خانواده اسپاریده (sparidae) اعلام می‌کند.محیط زیست ماهشهر معتقد است «افزایش دما، کاهش عمق آب و تبخیر آب از سطح حوضچه‌ها باعث کاهش شدید اکسیژن از حوضچه‌های استحصال نمک شده است.» چنان‌که «مقادیر بالای هدایت الکتریکی (EC) نشان‌دهنده شوری بالای آب حوضچه است که این امر شرایط زیستی ماهی را به خطر می‌اندازد.»از منظر کارشناسان محیط زیست ماهشهر «وجود نیترات آمونیوم باعث بلوم جلبکی و کاهش اکسیژن در شب شده است؛ بنابراین تلفات مشاهده‌شده در صبح بیانگر این موضوع است.»

دلیل تجمع تلفات در استخر شماره ۲، مهاجرت ماهیان از دیگر استخرها به حوضچه شماره ۲ بوده است؛ زیرا ماهیان به‌صورت غریزی به سمت آب ورودی و حوضچه‌های

این ملاقات بین من و سپیده رشنو برقرار شد و توانستیم درباره ابعاد پرونده گفت‌وگو کنیم».
نظامی چهارمحالی نخستین اولویت کاری خود را بر فک قرار بازداشت موقت و تعیین وثیقه متمرکز می‌داند: «درحال‌حاضر تنها درخواستی که ما داریم، این است که دادگاه محترم هرچه زودتر بازداشت موقت را مرتفع و با تعیین وثیقه، امکان تودیع وثیقه را برای ما مهیا کند». این وکیل دادگستری تاکید می‌کند که امیدوار است بررسی پرونده و دفاعیات آن در چند جلسه ادامه داشته باشد: «دغدغه اصلی ما این است که موکل هرچه زودتر بتواند از زندان بیرون بیاید و به آغوش خانواده برگردد. این اطمینان را هم داده‌ایم که تا زمان دادگاه او در کنار خانواده‌اش خواهد بود. پس از آن باید جلسات دفاع برگزار شود و امید داریم که پرونده با یک جلسه به پایان نرسد. پدر، مادر، برادر و خواهر موکل من به‌شدت تحت فشار هستند و بیرون آمدن سپیده باعث می‌شود این فشار اندکی کاهش یابد».

سپیده برگردد همه خانواده به آرامش می‌رسند

سامان رشنو هم در گفت‌وگو با «شرق» عنوان کرد: «ما در تمام این مدت با رسانه‌ها حرفی نزدیم به خاطر اینکه نمی‌خواستیم تنش‌ها افزایش یابد. حالا که وکیل پرونده را به دست گرفته و جریان قانونی طی می‌شود، ترجیح دادیم گفت‌وگویی با یکی



از رسانه‌های داخلی و رسمی که قابل اعتماد است، داشته باشیم. حالا فقط می‌خواهیم خواهرم هرچه زودتر از زندان بیرون بیاید و در کنار خانواده‌اش باشد تا همه ما هم کمی به آرامش برسیم».
اواخر تیرماه سال جاری ویدئوی درگیری دو زن در اتوبوس بی‌آرتی بر سر حجاب به دستگیری یکی از این

زن گابنی؛ از معلمی تا دوچرخه‌سازی!

دسته و زنجیر و رکاب و زین به دست افراد محلی سپردند. پول این تجهیزات را مایبکا تأمین کرده بود. نخستین دوچرخه ساخت مایبکا و همکارانش ساخته شد؛ دوچرخه‌ای که در حقیقت سه‌چرخه و برای دخترچه‌ها مناسب بود. مایبکا دیگر دوچرخه‌ساز شده بود!

ساخت سه‌چرخه موسوم به «بامگا» باعث شد مایبکا و همکارانش سفارش ساخت دو هزار دوچرخه بگیرند، آن هم در منطقه‌ای ۲۰ هزار نفری! تحویل این سفارش‌ها، باعث شد سفارش بعدی از راه برسد و نام آنها را بر سر زبان‌ها بیندازد. با این‌همه اما هزینه ساخت و تهیه هر دوچرخه گاهی تا ۵۵۰ پوند بالا می‌رفت و مایبکا نمی‌خواست برای تحقق هدفش چنین هزینه‌ای را به جامعه زنان گابن تحمیل کند. نه به این دلیل که شاید شهروندان گابنی در پرداخت این مبلغ مشکل داشته باشند. سرانه تولید ناخالص داخلی گابن بیش از هشت هزار دلار است. گابن پنجمین کشور تولیدکننده نفت در



آفریقااست و از منابع غنی طبیعی بهره می‌برد. با این حساب گابنی‌ها ثروتمند هستند و از پس تهیه دوچرخه برمی‌آیند؛ اما جانداختن فرهنگ دوچرخه‌سواری میان زنان هدف بزرگ مایبکاست. هدفی که تحقق آن نیازمند تحمیل هزینه نیست. شاید به همین دلیل بود که او از یکی از شرکت‌های واردکننده دوچرخه در گابن خواست با آنها همکاری کند و بخشی از هزینه‌ها را متقبل شود.

موضوع مهم در دوچرخه‌های بامسکا علاوه بر سبکی و کوچکی، این است که نیمی از آنها مخصوص زنان ساخته شده‌است؛ نصب سید خرید روی دسته! رعایت این نکات باعث شد زنان برای استفاده از دوچرخه ترغیب شوند. هدف مایبکا و تیم همراهش این است که در کام اول پنج درصد از زنان گابنی را دوچرخه‌سوار کنند! دوچرخه‌سواری به آنها این امکان را می‌دهد که از تحصیل بازمانند. مایبکا می‌خواهد ۲۰ هزار دوچرخه بامبو بسازد و بفروشد. او می‌خواهد همه همشهری‌هایش دوچرخه‌سواری کنند.



بامبو را ببرند و چوب‌هایش را بار بزنند. چوب‌ها پس از انتقال به محل اجرای پروژه ابتدا خشک شدند. در مرحله بعد تیم مایبکا به چوب‌های خشک برای محافظت از آثار رطوبت و باران لاک زدند و سپس آنها را برای تجهیزشدن به

روز پزشک

روز قدردانی از تلاشگران عرصه سلامت

گرامی باد



خانم دکتر پروانه وثوق



موسسه خیریه مهنا

(سازمان مردم نهاد)

حمایت از بیماران هموفیلی و ترومبوفیلی